

تأثیر همکاری‌های هسته‌ای آمریکا و هند بر روابط هند و ایران

داریوش قنبری^۲

حمید درج^۱

چکیده

امروزه هند در کانون توجه زمامداران آمریکا قرار گرفته است و از این کشور به‌عنوان شریک استراتژیک ایالات متحده در جنوب آسیا و عامل مهار چین یاد می‌شود. بعد از آغاز آزمایش‌های هسته‌ای هند، واشنگتن به آن واکنش نشان داد؛ اما بعدها و به‌خصوص با آمدن جرج بوش پسر و حملات ۱۱ سپتامبر، همکاری‌های آمریکا و هند شدت گرفت و در ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۵ موافقت‌نامه همکاری در زمینه انرژی هسته‌ای میان دو کشور امضا شد که این اقدام تأثیر گسترده‌ای بر روابط هند با کشورهای منطقه، از جمله ایران داشته است. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله این است که همکاری‌های هسته‌ای آمریکا و هند می‌تواند چه تأثیری بر روابط هند و ایران داشته باشد؟ فرضیه مقاله این است که با توجه به اختلافات ایران و آمریکا در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه اختلاف آن‌ها بر سر برنامه هسته‌ای ایران، هرگونه مشارکت و همکاری هسته‌ای آمریکا و هند، ضمن تأثیر بر منافع و امنیت ایران در سطح منطقه، همچنین می‌تواند از دامنه همکاری‌ها و روابط تهران-دهلی بکاهد که این خود می‌تواند معادلات قدرت و نظم منطقه‌ای را در راستای اهداف و منافع واشنگتن و متحدان منطقه‌ای آن شکل بخشد. روش پژوهش با توجه به ماهیت نظری تحقیق کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: هند، آمریکا، ایران، همکاری‌های هسته‌ای، واقع‌گرایی نئوکلاسیک.

۱- مقدمه

روابط راهبردی هند و آمریکا علی‌رغم فراز و نشیب‌های فراوان در سال‌های ریاست جمهوری ترامپ افزایش چشمگیری یافته است، زیرا از یک‌سو آمریکا و هند در جهت ایجاد توازن در مقابل

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) Email: hamid.dorj@phd.guilan.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

قدرت چین در آسیا، منافع مشترک دارند و از سوی دیگر آمریکا ظرفیت هند به‌عنوان یک بازار در حال رشد و یک رقیب در مقابل چین را مهم ارزیابی می‌کند.

تلاش چین برای افزایش قدرت و بودجه نظامی با واکنش‌های فراوانی از سوی قدرت‌های بزرگ و نیز همسایگان آسیایی این کشور مواجه شده است. در این میان، ایالات متحده به‌عنوان تنها ابرقدرت باقی‌مانده از عصر جنگ سرد، به‌دلیل منافع گسترده خود در سراسر جهان و به‌خصوص آسیا، بیش از دیگر بازیگران بین‌المللی از افزایش قدرت چین در عرصه‌های اقتصادی و بیش از آن عرصه نظامی نگران است. همچنین چین یکی از نامزدهای مقام ابرقدرتی در آینده است که توانایی ایجاد موازنه در برابر ایالات متحده آمریکا را خواهد داشت؛ از این‌رو، آمریکا مدرنیزاسیون نظامی چین و افزایش بودجه نظامی این کشور را تهدیدی علیه هژمونی واشنگتن در شرق آسیا می‌داند که در آینده موازنه قوا را برهم خواهد زد؛ بنابراین در تلاش است با برقراری روابط گسترده نظامی و امنیتی با کشورهای منطقه، از جمله هند که آن هم نسبت به چین احساس خطر می‌کند، مشارکت استراتژیک داشته باشند و به‌نوعی چین را مهار و در انزوا قرار دهد. همکاری هسته‌ای آمریکا و هند یک نقطه عطف تاریخی در روابط این دو کشور محسوب می‌شود. مبادله هسته‌ای هند و آمریکا بدون نیاز به امضای «سی.تی.بی.تی» یا توقف تولید مواد شفافیت‌پذیر اجازه تجارت غیرنظامی را به هند داده است. در این راستا آمریکا سعی دارد هند را به‌عنوان وزنه‌ای مقابل چین بالا برد و کمک به هند در ایجاد برتری سیاسی خود در منطقه و حمایت از نقش رهبری آن در جهان سوم، به‌ویژه در آسیا، بخشی از این برنامه است. ایالات متحده نیز به‌عنوان دولت حافظ نظم بین‌المللی سیاست انزوای بین‌المللی ایران را در پیش گرفته و بر این اساس هند را تحت فشار قرار داده است که همکاری‌هایش را با ایران قطع کرده و روابطش را با این کشور محدود کند. همکاری ایران و هند در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و به‌ویژه کریدورهای ارتباطی، منافع عظیمی برای دو طرف خواهد داشت که در درجه اول تحت تأثیر فشارهای ناشی از منافع متعارض ایران و ایالات متحده و سپس فشارهای ناشی از ضرورت پیوندهای هند با اسرائیل و اعراب قرار گرفته است.

۱-۱- بیان مسئله و سؤال تحقیق

گسترش همکاری‌های آمریکا و هند در حوزه انرژی هسته‌ای که دو کشور را به سطح همکاری‌های استراتژیک سوق داد، سیاست منطقه‌ای هند و روابط این کشور با بازیگران منطقه‌ای

از جمله ایران را تحت تأثیر بسزایی قرار داده است. روابط هند و ایران طی سال‌های اخیر به شدت تحت تأثیر اقدامات آمریکا قرار گرفته است. در واقع تنش در روابط ایران و آمریکا موجب شده است که آمریکا همواره سیاست مهار ایران در مناطق پیرامونی‌اش را دنبال کند و از شکل‌گیری روابط استراتژیک بین ایران و سایر کشورها جلوگیری کند و همچنین مانع بهره‌برداری ایران از مزیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکش شود. فشارهای سیاسی آمریکا بر هند و ارائه مشوق‌های سیاسی، اقتصادی به این کشور طی سال‌های اخیر موجبات فاصله‌گیری دهلی‌نو از تهران را فراهم آورده است که نقطه آغاز آن خودداری هند از مشارکت و پیگیری در پروژه خط‌لوله انتقال گاز ایران به هند بود که علی‌رغم منافع چشمگیری که برای دو طرف داشت، تاکنون به بهانه‌های مختلف از اجرایی کردن آن سر باز زده‌اند. این اقدام هند در پی امضای موافقت‌نامه هسته‌ای آمریکا با هند در سال ۲۰۰۵ اتفاق افتاد که تأثیر بسزایی بر روابط هند و ایران داشته است؛ بنابراین سؤال اصلی تحقیق این است که همکاری‌های هسته‌ای آمریکا و هند می‌تواند چه تأثیری بر روابط هند و ایران داشته باشد؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه آمریکا به‌عنوان تک‌ابرقدرت نظام بین‌الملل دارای اختلافات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک با جمهوری اسلامی ایران است، همکاری‌ها و اقدامات هسته‌ای آمریکا و هند اهداف و منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد که این امر ضمن اینکه می‌تواند امنیت منطقه‌ای ایران را تهدید کند، گستره روابط و همکاری‌های منطقه‌ای تهران-دهلی را نیز محدود خواهد کرد؛ بنابراین ضرورت تحقیق و پژوهش پیرامون ابعاد و زمینه‌ها و نتایج حاصل از این همکاری‌ها امری ضروری به شمار می‌رود.

۱-۳- روش و چارچوب نظری تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش با توجه به ماهیت نظری آن، کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده است. در روش پژوهش کیفی از اطلاعات و داده‌های پژوهش‌های تاریخی، توصیفی و تجربی استفاده می‌شود. اطلاعات مورد نیاز برای این تحقیق نیز از طریق منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مراجعه به سایت‌ها و منابع اینترنتی و... جمع‌آوری و مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است. واقع‌گرایی نئوکلاسیک تلفیقی از واقع‌گرایی کلاسیک و نئواقع‌گرایی است. این نظریه در واکنش

به ضدتقلیل‌گرایی بیش از اندازه نئواقع‌گرایی ارائه شد؛ چون نئواقع‌گرایی یک نظریه سیاست بین‌الملل است که تنها به تبیین نتایج بین‌المللی ناشی از کنش و واکنش کشورها می‌پردازد. کشورها به‌مثابه جعبه‌های سیاهی هستند که عوامل داخلی اعم از فردی و اجتماعی نقش و تأثیری در رفتار و سیاست خارجی آن‌ها ایفا نمی‌کند. نئواقع‌گرایی به تبیین و تحلیل رفتار کشورهای منفرد پرداخته و آن را به نظریه سیاست خارجی وامی‌گذارد (Waltz, 1992: 83). واقع‌گرایی نئوکلاسیک مانند سایر نظریه‌های رئالیستی مدرن، دولت‌محور است و معتقد است که رقابت برای قدرت و نفوذ بین دولت‌ها در سیستم هرج‌ومرج بین‌المللی از ویژگی‌های مهمی است که سیاست بین‌الملل را تعریف می‌کند. همچنین، واقع‌گرایان نئوکلاسیک نمایی از سیستم بین‌الملل ارائه می‌دهند که به‌شدت متأثر از نئورئالیسم است؛ آن‌ها بر این باورند که پاداش یا تنبیه که از ویژگی‌های پویایی سیستم است، بر رفتار دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین برخی بر این باورند که واقع‌گرایی نئوکلاسیک شکلی منطقی و بسط‌یافته از نئورئالیسم است، حال آن که این دو تفاوت عمیقی دارند (Rathburn, 2008: 294- 321).

۱-۴- پیشینه تحقیق

کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره روابط آمریکا و هند و همکاری‌های هسته‌ای این دو کشور نوشته شده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها که بیشترین قرابت را با موضوع پژوهش حاضر دارد، پرداخته می‌شود.

۱- اوما پروشودامان (۲۰۱۲) در مقاله خود با عنوان «سایه آمریکا بر روابط ایران و هند» معتقد است که آمریکا به‌دنبال این هدف است تا با دادن امتیازاتی به هند بر سیاست‌های این کشور در قبال ایران تأثیر بگذارد. این مقاله بیان می‌دارد که ایالات‌متحده در سه زمینه بر موضع هند در قبال ایران تأثیر داشته است: خط‌لوله انتقال گاز بین ایران و پاکستان و هند، آرای هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و عدم پرداخت بهای نفت صادراتی ایران به هند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که توافق هسته‌ای بین هند و ایالات‌متحده تأثیر بسزایی بر سیاست‌ها و منافع ایران در منطقه داشته است.

۲- هارش وی. پنت (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «موازنه مطلوب: حرکت ماهرانه هند در بین ایران و آمریکا» اشاره می‌کند که هند درصدد است تا از تعارض و تضاد بین سیاست‌های داخلی اش و منافع استراتژیکی که با ایران دارد جلوگیری کند. پنت معتقد است اگرچه افزایش

روابط هند و آمریکا در سال‌های اخیر، روابط و همکاری‌های منطقه‌ای هند با ایران را کم‌رنگ کرده است؛ اما روابط تاریخی هند با ایران، روابط دهلی-واشنگتن را نیز تحت تأثیر قرار داده است. هند در تلاش است تا به‌عنوان یک بازیگر موازنه‌گر در روابط با آمریکا و ایران عمل کند.

۳- جیسون آرک کرک (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان «هندیان آمریکایی تبار و توافق هسته‌ای هند و آمریکا» به بررسی روابط تاریخی هند و آمریکا و همکاری هسته‌ای دو کشور در حوزه هسته‌ای می‌پردازد. نویسنده پژوهش در ادامه با مطالعه نقش گروه‌های اجتماعی و اقتصادی ذی‌نفع طی بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده است که منافع این گروه‌ها در گسترش این روابط اثرگذار بوده است. کرک در این باره می‌افزاید: «لابی هندی در آمریکا به طور حرفه‌ای و به‌خوبی در حال اعمال فشار بر اعضای کنگره برای حمایت از توافق هسته‌ای آمریکا و هند است».

۴- سید محمدکاظم سجادیپور و مهرداد پهلوانی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «جایگاه جمهوری اسلامی ایران در روابط هند و ایالات متحده آمریکا» که در پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل به چاپ رسانده‌اند، درصددند تا ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره روابط هند و آمریکا و جایگاه ایران در این رابطه، موقعیت واقعی ایران در مناسبات هند و آمریکا تبیین شود. نگارندگان این پژوهش مدهی هستند علی‌رغم ارتقای روابط هند و آمریکا، رویکرد آمریکایی-محور نخبگان هند و شیوع هنجارهای ضدایرانی در نظام بین‌الملل، نیازهای هند و منافع ملی این کشور در ارتباط با ایران مانع از افول جایگاه ایران در سیاست خارجی هند می‌شود.

پژوهش حاضر در تلاش است نوآوری خود را بر این نکته تمرکز بخشد که مقالات و پژوهش‌های قبلی صورت گرفته در این زمینه بیشتر به مناسبات سیاسی و همکاری‌های هسته‌ای هند و آمریکا پرداخته‌اند؛ اما این مقاله درصدد است تا ضمن بررسی روابط و همکاری‌های هسته‌ای آمریکا و هند، تأثیراتی که این همکاری‌های استراتژیک می‌تواند بر روابط هند و ایران داشته باشد، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۲- تاریخچه روابط ایالات متحده آمریکا و هند

پیشینه روابط رسمی، دیپلماتیک و اداری هند و آمریکا به زمان استقلال هند در سال ۱۹۴۷ میلادی بازمی‌گردد. در سال ۱۹۰۶ میلادی برخی از تبعیدشدگان سیاسی هند وارد آمریکا شدند و در پی آن در سال ۱۹۱۳ گروهی از میهن‌پرستان هندی به رهبری «لالا هاردایال» اولین حزب

قدرتمند هندی‌ها را برای جلب حمایت آمریکا در کالیفرنیا تأسیس کردند. جنگ جهانی دوم نقطه عطفی در روابط این دو کشور محسوب می‌شود. پس از حمله ژاپن به بندر «پرل هاربر» در سال ۱۹۴۱، آمریکایی‌ها ضرورت همکاری مشترک هند و آمریکا را درک کرده، به همین دلیل دولت روزولت به مسائل و تحولات هند توجه خاصی نشان داد (آقائی و عقدایی، ۱۳۹۳: ۳۱۶-۳۱۵). در طول دوران جنگ سرد روابط این دو کشور متأثر از بلوک‌بندی‌های متصلب شرق و غرب و نزدیکی هند به شوروی از یک‌سو و قرارگرفتن هند در رأس جنبش‌های ضداستعماری و جنبش عدم‌تعهد از سوی دیگر، فرصتی را برای نزدیکی دو کشور باقی نمی‌گذاشت (ارغوانی‌پیرسلامی و اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۱۸).

شاید زمانی که پس از فروپاشی اتحاد شوروی محافل راهبردی هند به دولت این کشور توصیه کردند که «دهلی‌نو تاکنون بر دنده چپ تاریخ خوابیده بود، اکنون وقت آن رسیده است که بر دنده راست تاریخ بخوابد» و اشاره آن‌ها به ضرورت توسعه مناسبات هند با آمریکا بود؛ کسی تصور نمی‌کرد که روابط دهلی-واشنگتن تا این اندازه به هم نزدیک شود. با تأثیرپذیری از چنین نگرش‌هایی بود که پس از فروپاشی اتحاد شوروی، به تدریج روابط هند و آمریکا رو به گسترش گذاشت و این مهم با استقبال آمریکا نیز روبه‌رو شد. موافقت آمریکا به همکاری هسته‌ای با هند با آن‌که هند بر خلاف پیمان «ان.بی.تی» به سلاح هسته‌ای دست یافته بود (شفیعی، ۱۳۹۶: ۱۰۷)، آشکارترین نشانه تغییر در روابط آمریکا و هند و بزرگ‌ترین علامت ورود آمریکا به مناسبات قدرت در آسیا در شرایط جدید بود. در مارس ۲۰۰۰، رئیس‌جمهور آمریکا، بیل کلینتون، از هندوستان (اولین دیدار رئیس‌جمهور آمریکا پس از ۲۲ سال) دیدار کرد. این ملاقات نقطه عطفی در روابط دو کشور محسوب می‌شود و پس از آن ادراکات امنیتی دو طرف به یکدیگر نزدیک‌تر شد و بستر همکاری‌های گسترده فراهم شد (Bhaskar, 2000: 209). پس از روی کار آمدن جورج بوش نگرش مثبتی نسبت به رابطه با هند اتخاذ شد و ضمن تأکید بر دموکراسی هند به‌عنوان ارزش مشترک بین دو کشور، گسترش روابط تجاری با این کشور مطرح شد. بوش تأکید داشت که مسائل مورد اختلاف مثل «سی.تی.بی.تی» مانع تعمیق روابط هند و آمریکا نخواهد شد (واعظی و مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۹). وقوع حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ یک نقطه عطف در روابط هند و آمریکا محسوب می‌شود. پیشنهاد کمک هند به آمریکا در پی وقوع این حملات، موجب تقدیر دستیار وزیر امور خارجه آمریکا در امور آسیا شد و آمریکایی‌ها این عمل را یک اقدام

تحسین برانگیز برای کمک به آن‌ها در آن مقطع زمانی تلقی کردند. همچنین آمریکا در اواخر همین سال تحریم‌های وضع شده در قبال فعالیت‌های هسته‌ای این کشور را لغو کرد (Kumer, 2009: 63). با ورود باراک اوباما به کاخ سفید در سال ۲۰۰۹، بسیاری از کارشناسان انتظار داشتند که روند روبه‌رشد روابط هند و آمریکا، با حفظ یک روال منطقی تداوم یابد. در جولای همین سال، هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، دیداری از هند داشت که طی آن چندین توافقنامه همکاری دوجانبه میان هند و آمریکا به امضا رسید. همچنین کلینتون ارکان اساسی همکاری هند و آمریکا را در ۵ بخش، شامل همکاری‌های استراتژیک، همکاری‌های تجاری-اقتصادی و کشاورزی، همکاری در زمینه انرژی و تغییرات آب‌وهوایی، همکاری در بخش‌های آموزش و توسعه و همکاری در زمینه فناوری‌های علمی تبیین کرد (آقائی و عقدایی، ۱۳۹۳: ۳۱۷). ترامپ در هنگام اعلام سیاست جدید خود در ۲۱ آگوست ۲۰۱۷، هندوستان را «شریک کلیدی امنیتی و اقتصادی ایالات متحده» نامید و اظهار داشت که توسعه یک همکاری استراتژیک با هندوستان، «بخش مهمی از استراتژی آمریکا در جنوب آسیا» است. «موکش آگی»، رئیس انجمن همکاری‌های استراتژیک ایالات متحده و هند نیز گفت: «هند نقش مهمی را در تعادل معادلات ژئوپلیتیک در جنوب آسیا ایفا کرده و یک شریک قابل اعتماد و مطمئن برای ایالات متحده بوده است» (Firstpost Hindi, 2017: 2-3). بیش از پنج نماینده آمریکایی هندی‌الاصل در دولت ترامپ در پست‌های مهم مشغول فعالیت بودند و این امر زمینه همکاری هند با آمریکا را تقویت می‌کند. حجم تجارت بین دو کشور هم‌اکنون بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار است و این در حالی است که هر دو طرف تمایل دارند تا در آینده نزدیک میزان همکاری‌های خود را به پنج برابر افزایش دهند و این رقم را به حدود ۱ تریلیون دلار برسانند؛ علاوه بر این، هند و آمریکا تمایل دارند نه تنها روابط اقتصادی و تجاری خود را افزایش دهند، بلکه همکاری‌های استراتژیک و دفاعی خود را نیز تقویت کنند. این کشور علاقه‌مند به خرید سلاح‌های پیشرفته از آمریکا است که همکاری‌های استراتژیک بین دو کشور امکان تأمین این تسلیحات را افزایش می‌دهد (Khan, 2017: 3).

۳- همکاری‌های آمریکا و هندوستان در زمینه هسته‌ای

همکاری‌های هسته‌ای آمریکا با هند به موجب برنامه اتم صلح آیزنهاور و براساس قرارداد هسته‌ای ۱۶ مارس ۱۹۵۶ بین کمیسیون انرژی اتمی آمریکا و حکومت هند آغاز شد. پس از آن در ۸ آگوست ۱۹۶۳ قراردادی بین هند و شرکت آمریکایی جنرال الکتریک برای تأسیس یک

راکتور قدرت هسته‌ای امضا شد و به دنبال آن آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا در ۷ دسامبر ۱۹۶۳ هشتاد میلیون دلار کمک اقتصادی برای این کار در اختیار هند قرار داد؛ علاوه بر این، کمیسیون انرژی اتمی آمریکا طی قراردادی در ۱۷ می ۱۹۶۶ موافقت کرد که سوخت مورد نیاز این راکتور را به مدت ۳۰ سال تأمین کند (واعظی و مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۴۴). بعد از آزمایش هسته‌ای چین در سال ۱۹۶۴، پنتاگون به این نتیجه رسید که زمینه دستیابی هند به سلاح هسته‌ای را با مسئولیت خود فراهم آورد (سجادپور و پهلوانی، ۱۳۹۱: ۷۷). کلیتون در دوره اول ریاست جمهوری اش عدم‌اشاعه هسته‌ای را در اولویت اهداف خود قرار داد و به شدت از کنترل سلاح‌های هسته‌ای حمایت کرد (واعظی و مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۴۵). در ماه می ۱۹۷۴، هند نخستین آزمایش هسته‌ای خود با نام پُخران را با منفجر کردن یک چاشنی هسته‌ای در راجستان انجام داد و آشکارا آن را یک انفجار هسته‌ای صلح‌آمیز نامید؛ مسئله‌ای که نشان‌دهنده توانایی هند برای توسعه تسلیحات اتمی اش با تکیه بر فناوری‌های آمریکایی بود. در نتیجه آمریکا با اعمال تحریم‌های بیست و پنج ساله در قبال هند، کوشید تا کشورهای دیگر را نیز به اعمال تحریم‌های مشابه علیه فعالیت‌های هسته‌ای این کشور ترغیب کند (آقائی و عقدایی، ۱۳۹۳: ۳۲۰). در می ۱۹۹۸ هند نیز اقدام به انجام ۵ آزمایش هسته‌ای کرد و پس از آن به شدت مورد تحریم‌های آمریکا قرار گرفت که البته به علت تبعات منفی این تحریم‌ها برای اقتصاد آمریکا، برخی از این تحریم‌ها در همان دوره کلیتون به تدریج لغو شدند. با شروع دور دوم ریاست جمهوری کلیتون، راهبرد هسته‌ای این کشور نیز مورد بازبینی قرار گرفت و مقامات آمریکا که دریافته بودند توانایی به عقب‌راندن برنامه هسته‌ای هند و پاکستان را ندارند، سیاست محدودسازی آن را در پیش گرفتند (واعظی و مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۴۵). پس از کلیتون، جرج بوش نگاه خوش‌بینانه‌تری نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای در آسیای جنوبی اتخاذ کرد. بوش که ظاهراً تمایلی به اجرای پیمان‌های کنترل سلاح، به جز آن‌هایی که به طور آشکار به نفع آمریکا بودند، نداشت (Hoodbhoya & Mianb, 2002: 31) و در عین حال به شدت به درگیری راهبردی با هند علاقمند بود، سیاست عدم‌اشاعه هسته‌ای آمریکا را بر اساس این فرض بنا نهاد که هند می‌تواند دولت هسته‌ای مسئولی باشد و بازدارندگی هسته‌ای در منطقه می‌تواند از طریق ایجاد «توازن وحشت»، امنیت شبه‌قاره را تضمین کند؛ از این رو، بدون آن‌که برای پیوستن هند به «ان.پی.تی» تلاش کند، این کشور را به عنوان عضو غیررسمی و مسئول باشگاه هسته‌ای پذیرفت و با ترک مخالفت سنتی با هرگونه اشاعه هسته‌ای و متمایز کردن اشاعه‌دهندگان

مسئول و غیرمسئول (Potter, 2005: 345) با انعقاد موافقت‌نامه همکاری هسته‌ای با این کشور جریان بیش از یک ربع قرن سیاست آمریکا در خصوص اشاعه هسته‌ای را معکوس کرد (Carranza, 2006: 500). پس از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هند بی‌درنگ به ائتلاف مبارزه با تروریسم بوش پیوست و همکاری بلاشروط خود با وی در زمینه مبارزه با تروریسم را رسماً اعلام کرد. در نتیجه این اقدام بوش نیز دستور لغو تحریم‌های تحمیل‌شده تحت قانون منع اشاعه هسته‌ای ۱۹۹۴ که پس از انجام آزمایش‌های هسته‌ای ۱۹۹۸ به هند تحمیل شده بود، صادر کرد (Guihong, 2003: 79). توافق هسته‌ای هند و آمریکا، به‌رغم مغایرت با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، در ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۵ به امضا رسید. براساس این توافق، هند می‌تواند از آمریکا سوخت و تکنولوژی هسته‌ای بخرد و اجازه ایجاد ذخایر استراتژیک سوخت هسته‌ای را دارد تا در صورت اختلال در تأمین سوخت، از آن استفاده کند (Mirza, et. al, 2008: 3). این موافقت‌نامه در اکتبر ۲۰۰۸ نهایی شد و عملی‌شدن آن از این نظر برای هند اهمیت داشت که ضمن خارج کردن هند از انزوای هسته‌ای، امکان تأمین سوخت و امکانات هسته‌ای را برای آن فراهم می‌کرد و در نتیجه هند می‌توانست وابستگی خود را به منابع انرژی خلیج فارس کاهش دهد. ضمن آن‌که بر اساس این بیانیه اگرچه هند به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای شناخته نشد، اما یک کشور مسئول برخوردار از سلاح هسته‌ای نامیده شد (Blank, 2007: 12). برای آمریکا نیز همکاری هسته‌ای با هند ضمن برخورداری از منافع اقتصادی، موفقیتی برای دیپلماسی بوش برای واردکردن فعالیت‌های هسته‌ای هند به یک چارچوب قانونی به حساب می‌آمد (Nautiyal, 2006: 8)؛ اما با روی کار آمدن دولت اوباما، روند همکاری‌های هسته‌ای هند و آمریکا با کاهش روبه‌رو شد؛ تا اینکه سرانجام در سال ۲۰۱۱ میلادی، همکاری‌های هسته‌ای این دو کشور به دلیل نبود برنامه‌ریزی منسجم عملیاتی و همچنین نداشتن توافق در خصوص نظارت بر صادرات هسته‌ای آمریکا، متوقف شد (آقائی و عقداپی، ۱۳۹۳: ۳۲۱). در جریان بازدید نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند از کاخ سفید در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۷، آمریکا و هند تعهد خود در زمینه همکاری‌های هسته‌ای برای اهداف تجاری و غیرنظامی را مجدداً مورد تأکید قرار دادند. در بیانیه منتشرشده توسط کاخ سفید به قرارداد ساخت شش رآکتور وستینگ‌هاوس AP1000 در آندرا پرادش اشاره شده است. در این بیانیه آمده است: «پس از اتمام این پروژه، برق مورد نیاز میلیون‌ها نفر از شهروندان هندی تأمین خواهد شد» (World Nuclear News, 2017: 2). در اواخر سال ۲۰۱۷

ترامپ به وزارت انرژی که بر برنامه تسلیحات هسته‌ای آمریکا نظارت می‌کند، دستور داد تا در صورت نیاز آمادگی انجام یک آزمایش اتمی را ظرف شش ماه آینده داشته باشند. بر اساس گزارش مجله تایمز، ترامپ مجوز اجرای یک برنامه ۱/۲ تریلیون دلاری برای بازسازی برنامه سلاح‌های هسته‌ای و توسعه یک کلاهک هسته‌ای جدید را برای نخستین بار در ۳۴ سال صادر کرده است. این مسئله باعث شده است که بولتن دانشمندان اتمی در مورد خطر وقوع فاجعه هسته‌ای ابراز نگرانی کرده و هشدار دهند. هند می‌تواند برنامه سلاح حرارتی هسته‌ای خود را که در سال ۱۹۹۸ در پورخان ناکام ماند، آزمایش کند. البته این امر می‌تواند بر توافق هسته‌ای هند و آمریکا تأثیر نامطلوب داشته باشد؛ اما ترامپ آمادگی مذاکره مجدد در این زمینه را دارد (Joshi, 4: 2018). در نهایت باید گفت؛ همسو بودن منافع آمریکا و هند در سطح منطقه سبب شد تا قرارداد همکاری‌های هسته‌ای دهلی-واشنگتن در دوره ترامپ همچون ادوار گذشته مورد تأکید قرار گیرد و دو کشور در جهت تضمین و تأمین اهداف و منافع مشترک در منطقه گام بردارند.

۴- روابط هند و ایران در پرتو همکاری‌های هسته‌ای آمریکا و هند

موقعیت خاص ایران در صحنه بین‌المللی و رقابت استراتژیک ایران و آمریکا باعث حساسیت قدرت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا به نزدیکی روابط ایران و هند شده است؛ به طوری که آمریکا بارها از هند خواسته است تا مناسبات خود را با ایران در حوزه‌های استراتژیک مثل انرژی و تسلیحات محدود کند (شاهین، ۱۳۹۵: ۷۳). نوعی رابطه متقابل میان سیاست‌های آمریکا و بحث هسته‌ای هند وجود دارد. آمریکا برای پیشبرد اهداف سیاسی و دیپلماتیک خود، از فشار قراردادهای همکاری هسته‌ای استفاده می‌کند و در مقابل، در صورت همراهی هند با خواسته‌های آمریکا، به تقاضای هسته‌ای آن پاسخ مثبت می‌دهد. رأی هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و حمایت هند از جبهه مخالف ایران در مورد حقوق بشر، از این موارد است. کنگره آمریکا به هنگام تصویب قرارداد همکاری استراتژیک با هند از دولت آمریکا خواست از رأی هند علیه ایران در آژانس انرژی اتمی بین‌المللی اطمینان لازم را کسب کند. هند ۳ بار علیه ایران در مورد موضوع هسته‌ای رأی داده که رأی دوم در سال ۲۰۰۶ منجر به ارجاع پرونده به شورای امنیت شد (سجادپور و کریمی‌فهرودی، ۱۳۹۰: ۲۵۲-۲۴۶). هر چند آرای هند علیه ایران روابط دو جانبه را در پایین‌ترین سطح قرار داد، اما شرایط واقعی، مؤید ایده تأثیرگذاری تام ایالات متحده نیست؛ زیرا دو موضوع ساختار نظام بین‌الملل و منافع ملی مسبوق بر عامل آمریکاست. هدف

اصلی آمریکا از قرارداد هسته‌ای صلح‌آمیز آمریکا و هند، تبدیل هند به یک قدرت نظامی منطقه‌ای برای تحقق بخشیدن به منافع آمریکا است که این هدف بر مصالح امنیتی سایر کشورهای منطقه نیز تأثیر می‌گذارد (شفیعی و فرجی‌نصیری، ۱۳۹۳: ۲۱). همکاری‌ها و پیمان آمریکا و هند در حوزه هسته‌ای، ضمن متشنج‌ساختن محیط امنیتی شرق ایران، منطقه جنوب آسیا را بین‌المللی‌تر کرده و رقابت تسلیحاتی را در این منطقه تشدید خواهد کرد. هند با چند هدف در حوزه هسته‌ای خواهان همکاری با آمریکا است؛ توسعه برنامه نظامی هسته‌ای، رفع تحریم‌های وارد بر این کشور پس از آزمایش‌های سال ۱۹۹۸ و عضویت دائم در شورای امنیت ملل متحد، از این موارد است؛ از این رو، تلاش هند منجر به توافق استراتژیک هسته‌ای هند-آمریکا در سال ۲۰۰۵ شد. این توافق از دو ناحیه رابطه ایران-هند را تحت تأثیر قرار داده است. اول اینکه، آمریکا برای موافقت با این پیمان برای هند شروطی معین کرده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، فشار بر ایران و مخالفت با مواضع آن است. دوم آنکه مفاد این پیمان، ایران را متضرر می‌سازد (Pant, 2011: 62). آمریکا در روابط مبتنی بر انرژی، شرکت‌های هندی را تحت فشار قرار داده تا از همکاری با ایران خودداری کنند. در این راستا، فشار برای کناره‌گیری هند از خط‌لوله صلح را نیز می‌توان نام برد. خط‌لوله صلح که امکان انتقال گاز از ایران به پاکستان و هند را فراهم می‌کند، از اوایل دهه ۱۹۸۰ مطرح شده است. این خط‌لوله، منافع حیاتی هند و پاکستان از یک سو و ایران از سوی دیگر را تأمین و می‌تواند زمینه همکاری این سه کشور مهم در منطقه جنوب و غرب آسیا را فراهم کند، اما چون آمریکا آن را کمک به بودجه برنامه هسته‌ای ایران و حمایت از فعالیت‌های تروریستی قلمداد می‌کند، هند را تحت فشار قرار داده تا از این طرح کناره‌گیری کند (سجادپور و کریمی‌قهرودی، ۱۳۹۰: ۲۵۳-۲۵۲). آمریکا می‌داند که موفقیت ایران در اجرای طرح‌های انتقال انرژی چقدر در افزایش توان این کشور در معادلات جهانی و تغییر دیدگاه‌های سیاسی در مورد امنیت انتقال انرژی از ایران مؤثر است؛ بنابراین خط‌لوله صلح که ایران، پاکستان، هند و حتی چین را می‌تواند به هم مرتبط کند، فضایی را برای ایران ایجاد می‌کند که آثار فشارهای سیاسی و تحریم‌های ایالات متحده را کاهش دهد؛ بنابراین آمریکا سعی دارد این گزینه که آزادی عمل ایران را بالا می‌برد، محدود کند (Mohan, 2014: 5). در این راستا؛ آمریکا در تلاش است با حمایت از خط‌لوله تاپی به‌عنوان جایگزینی برای خط‌لوله صلح، چین را از گاز صادراتی ایران محروم کند و معادلات قدرت را در منطقه جنوب و شرق آسیا در راستای اهداف و منافع واشنگتن و متحدان منطقه‌ای آن شکل دهد.

واقع‌گرایان نئوکلاسیک کار خود را با این مفروض نئورئالیستی آغاز می‌کنند که ساختار نظام بین‌المللی سازنده و محدودکننده گزینه‌های سیاست خارجی کشورهاست (Ripsman, 2009: 27). در این راستا باید گفت توانایی هند برای مقابله با رشد نفوذ چین در منطقه و دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی کاملاً به رابطه‌ی حسنه با ایران وابسته است. از آنجا که ترامپ در ۸ می ۲۰۱۸ از توافق هسته‌ای که در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ میان ایران و گروه ۵+۱ منعقد شده بود، خارج شد، نارندرا مودی، در زمینه تعیین سیاست خارجی هند، باید در یک محیط ژئوپلیتیک بی‌ثبات، محتاطانه‌تر عمل کرد. تلاش برای برقراری رابطه‌ی نزدیک‌تر با ایران، واکنش متقابل واشنگتن به‌ویژه ارسال و گذاشتن توییت‌ها و کامنت‌های غضب‌آلود ترامپ را افزایش داد. با این حال، توقف همکاری با ایران این امکان را برای رقبای هند فراهم می‌آورد تا نظر تهران را به خود جلب کنند. پیامدهای کوتاه‌مدت تصمیم آمریکا برای خروج از برجام مطمئناً آزمونی جدی برای سیاست خارجی هند و همچنین روابط آمریکا و هند خواهد بود. این تصمیم ممکن است در بلندمدت به رقبای منطقه‌ای هند اجازه دهد نظر ایران را به خود جلب کنند و اهداف ژئوپلیتیک خود را در آسیای جنوبی و مرکزی تقویت کنند (3: Younus, 2018). مخالفت آمریکا و تحریم‌های این کشور علیه ایران نه تنها مانع از ارتقای سطح همکاری ایران و هند و تحقق اعلامیه‌ی دهلی مبنی بر زمینه‌سازی مشارکت راهبردی دو کشور شد، بلکه در نتیجه تحریم‌ها، در مقطعی هند مجبور به قطع کامل واردات نفت از ایران شد. ایران در سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ دومین صادرکننده نفت به هند بود، اما صادرات نفت ایران به هند به تدریج تا سال ۲۰۱۳ کاهش یافته و ایران به مقام هفتم تنزل یافت و حتی در مارس سال ۲۰۱۵ صادرات نفت ایران به هند به صفر رسید. بعد از برجام، این وضعیت بهبود یافت، اما ایران هنوز به جایگاه قبل از تحریم دست نیافته است (Sidhu and Pal, 2016: 5-29). از طرف دیگر، پیمان هند-آمریکا شامل برخی مفاد علیه ایران است. براساس قانون همکاری انرژی اتمی صلح‌آمیز هند-آمریکا معروف به قانون هاید، هند باید ایران را از فعالیت هسته‌ای بازدارد یا منصرف کند و حتی اگر لازم بود، ایران را تحریم کند یا از تلاش برای کسب تسلیحات کشتار جمعی، شامل قابلیت هسته‌ای، قابلیت تولید اورانیوم غنی‌شده، پروسه تولید سوخت هسته‌ای و ابزارهای به‌کارگیری سلاح کشتار جمعی بازدارد (سجادپور و کریمی‌قهرودی، ۱۳۹۰: ۲۵۳). در حوزه اقتصادی نیز ایالات متحده، هند را تحت فشار قرار داده است تا روابطش را با ایران محدود کند. در دسامبر ۲۰۰۸ هشت تن از نمایندگان کنگره در نامه‌ای

به بانک صادرات و واردات آمریکا تقاضا کردند که وام ۹۰۰ میلیون دلاری به شرکت‌های هندی که با ایران همکاری می‌کنند؛ تا هنگامی که فروش نفت تصفیه‌شده به ایران را متوقف نکنند، به تعویق افتد. آن‌ها استدلال کرده بودند که در حالی که آمریکا سعی دارد ایران را تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی، ناگزیر از توقف برنامه هسته‌ای کند، همکاری‌های هند با ایران در حوزه انرژی به زیان منافع ایالات متحده است (Sullivan, 2010: 8). فرض ایالات متحده آن است که تضعیف اقتصادی ایران می‌تواند مانع از پیگیری ایده‌ها و اهداف برآمده از ماهیت پساانقلابی ایران باشد. در یک دهه گذشته ۱۲ تا ۱۴ درصد از نفت ایران به هند صادر شده است. همچنین قرارداد استراتژیکی با عنوان خطلوله صلح، از سوی دو طرف پیگیری می‌شود. از نظر سیاست‌مداران آمریکایی -مانند هیلاری کلینتون و نیکلاس برنز- تلاش برای تضعیف یا قطع ارتباط ایران و هند، هم به معنای منزوی‌سازی و هم تضعیف اقتصادی ایران است (سجادپور و پهلوانی، ۱۳۹۱: ۸۴)؛ تا از این طریق ضمن کاستن از نقش و نفوذ ایران در منطقه جنوب آسیا، معادلات قدرت و نظم منطقه‌ای را به ضرر رقبای واشنگتن و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن شکل دهد.

از لحاظ تاریخی، هندوستان توانایی منحصربه‌فردی را برای حفظ استراتژی مستقل خود در طول دوره‌های آشفتگی ژئوپولیتیک از خود به نمایش گذاشته است. با این حال، تحولات مداوم در منطقه می‌تواند توانایی سیاست خارجی هند را مورد آزمون قرار دهد و این کار حفظ روابط نزدیک با ایران و رقبای استراتژیک آن برای هند را بسیار مشکل می‌سازد. با توجه به اینکه آمریکا از برجام خارج شده است، عربستان سعودی و اسرائیل تلاش‌های خود را برای مبارزه با نفوذ ایران در منطقه تشدید کرده‌اند. در چنین شرایطی، ممکن است دهلی‌نو سرمایه‌گذاری‌های خود را در چابهار محدود کند یا در غیر این صورت باید با تهدیدهای واشنگتن، تل‌آویو و ریاض مواجه شود (Younus, 2018: 2-3). در این راستا باید گفت از آنجایی که هند به دنبال مهار رشد نفوذ چین در منطقه جنوب آسیا است و از طرفی پاکستان و چین در چند دهه گذشته به شرکای استراتژیک برای همدیگر تبدیل شده‌اند و کریدور اقتصادی مشترک چین و پاکستان نیز بر عمق این رابطه استراتژیک افزوده است؛ بنابراین با توجه به اینکه بندر چابهار تنها مسیر دسترسی هند به آسیای مرکزی و افغانستان است؛ در چنین شرایطی هند تلاش می‌کند از مسیر ایران راهی جایگزین برای رسیدن به افغانستان و آسیای پیدا کند و فضای رقابتی با پاکستان را از دست ندهد. همین مسئله بر اهمیت روزافزون ایران برای مقامات دهلی می‌افزاید. هندوستان در حال

حاضر بیش از ۵۰۰ میلیون دلار برای توسعه بندر چابهار اختصاص داده است و این رؤیای هند در سال گذشته با ارسال یک محموله گندم از طریق چابهار به افغانستان تحقق یافت. هند، چابهار را به‌عنوان جایگزینی برای بندر گوادر پاکستان می‌داند که در ۱۴۰ کیلومتری شرق چابهار قرار دارد و توسط چین به‌عنوان بخشی از کریدور اقتصادی چین و پاکستان توسعه یافته است (Financial tribune, 2017: 3).

نزدیک‌شدن روابط هند با آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی نیز باعث شد که ایران در برابر تغییر رویه هند واکنش نشان دهد؛ محمدجواد ظریف، وزیر سابق امور خارجه ایران، در جریان سفر خود به پاکستان در مارس ۲۰۱۸ از این کشور برای مشارکت در توسعه منطقه آزاد چابهار دعوت و برای اتصال بنادر گوادر و چابهار ابراز تمایل کرد. خروج آمریکا از برجام به پاکستان امکان می‌دهد به بررسی بهبود روابط با ایران بپردازد که این کار باعث محدودشدن دسترسی هند به افغانستان و آسیای مرکزی می‌شود. چین که به‌طور موفقیت‌آمیز نفوذ خود را در منطقه افزایش داده و بزرگترین واردکننده نفت خام ایران است، می‌تواند کمک‌های اقتصادی خود را بر اساس طرح «کمر بند اقتصادی جاده ابریشم» به ایران ارائه دهد و سرمایه‌گذاری‌های پیشنهادی هند در چابهار را کاهش دهد. این فرایند می‌تواند توسط روسیه به‌عنوان متحد استراتژیک ایران که روابط نزدیکی را هم با پکن و هم با اسلام‌آباد برقرار کرده است، تشدید شود؛ زیرا روسیه تلاش می‌کند روابط نزدیک آمریکا و هند را تعدیل کند و راهی برای محدودکردن نفوذ آمریکا در افغانستان و آسیای مرکزی پیدا کند (Younus, 2018: 3-2). نکته قابل توجه این است که نزدیک‌شدن هند به رقبای و دشمنان منطقه‌ای ایران از چشم تهران دور نمانده است و برخی از تحلیل‌گران می‌گویند که پیشنهاد محمدجواد ظریف به پاکستان برای پیوستن به پروژه چابهار که در جریان سفر ماه مارس ۲۰۱۸ وی به اسلام‌آباد صورت گرفت، پاسخ تهران به سیاست‌های متضاد دهلی‌نو بوده است؛ بنابراین اگر هند در ادامه مسیر تسلیم فشارهای واشنگتن شود، باید جای خود را به رقبای منطقه‌ای خود در ایران واگذار کند.

۵- نتیجه

روابط هند و آمریکا از زمان استقلال هند در ۱۹۴۷م. تا پایان جنگ سرد، از پویایی خاصی برخوردار نبود. در این دوران هند در ابتدا با درپیش گرفتن سیاست عدم‌تعهد و در مراحل بعد با نزدیکی به شوروی، عملاً فرصتی برای نزدیک شدن به آمریکا نیافت. بر این اساس، روابط این دو

قدرت از پایان جنگ سرد و به ویژه از اوایل هزاره جدید گسترش قابل توجهی یافته است. پیمان هسته‌ای آمریکا و هند نقطه عطفی در روابط دو کشور به شمار می‌آید و این امر روابط آن‌ها را وارد مرحله تازه‌ای از همکاری‌های استراتژیک کرده است. این پیمان متضمن همکاری دو کشور در مقابله با خیزش چین، مبارزه با گسترش تروریسم در آسیا، در اولویت قرار گرفتن هند برای تأمین منافع آمریکا در جنوب آسیا و پدید آمدن فرصت‌های اقتصادی برای طرفین می‌باشد. از سوی دیگر، کشور چین با دارا بودن قدرت نظامی و اقتصادی چشم‌گیر در دهه‌های اخیر به گونه‌ای پرشتاب روند پیشرفت و توسعه را در تمامی بخش‌ها تجربه کرده است. مسأله نوسازی و توسعه توانمندی‌های نظامی چین برای ایالات متحده که خود را تنها هژمون نظام بین‌المللی می‌داند و دارای منافع امنیتی فراوانی در شرق آسیا است، تهدیدی امنیتی محسوب می‌شود. سیاست آمریکا جهت جلوگیری از ظهور چین، حمایت از قدرتهایی نظیر هند و ژاپن است تا از این رهگذر، با بر عهده گرفتن نقش توازن‌بخش، بتواند حضور خود در این منطقه را تضمین کند؛ از این رو، آمریکا با انعقاد معاهداتی با هند، به تقویت این کشور در برابر چین پرداخته و سعی در ایجاد تعادل بین قدرت این کشور با چین دارد. همکاری آمریکا و هند در موضوع هسته‌ای، ایران را به عنوان همسایه منطقه آسیای جنوبی و با خصوصیات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بین‌المللی، متأثر ساخته است. دستیابی هند به توافق هسته‌ای با آمریکا به بهای تنزل سطح روابط با ایران بوده است. رأی هند علیه ایران در موضوع هسته‌ای، عدم تمایل برای عملیاتی کردن خط لوله صلح و عدم پرداخت بدهی‌های نفتی هند به ایران، از این موارد است. هند از سویی دارای منافع مشترک با ایران است، در حالی که ایران و ایالات متحده منافع متعارض دارند و در حوزه وسیع خاورمیانه سرگرم یک رقابت راهبردی هستند. ایران برای گسترش ارزش‌های انقلابی‌اش هزینه‌های عدم دنباله‌روی از ایالات متحده را پذیرفته است. بر این اساس، ایران به مثابه دولتی تجدید نظرطلب اهداف نامحدودی نسبت به نظم بین‌المللی در پیش گرفته است. از سویی هند برای افزایش منافعش پیوندهایش با ایالات متحده نیاز دارد و این پیوندها تأثیراتی محدود کننده بر پیوندهای ایران و هند داشته اند. در این میان شدیدترین فشارهای محدود کننده بر روابط ایران و هند از سوی ایالات متحده اعمال شده است.

بنابراین، هند و ایران بنا به رویکردهای مختلف خود به نظام بین‌الملل نمی‌توانند متحدانی استراتژیک برای همدیگر باشند، ولی برای افزایش منافعشان ناگزیر از همکاری در حوزه‌های

محدود محلی و منطقه‌ای هستند. البته عوامل محدودیت‌زا نیز نمی‌تواند موجب قطع پیوندهای ایران و هند شوند؛ اما بر این پیوندها اثراتی محدود کننده داشته‌اند. نکته قابل توجه این است که خروج آمریکا از برجام تاثیر قابل توجهی بر روابط تهران-دهلی خواهد گذاشت و سیاست منطقه‌ای دهلی برای دسترسی به آسیای مرکزی و افغانستان از طریق منطقه آزاد چابهار و سرمایه‌گذاری اقتصادی در این منطقه را با پیچیدگی همراه خواهد کرد. لذا با توجه به رقابت منطقه‌ای که هند با چین و پاکستان دارد، در چنین شرایطی اگر هند تسلیم فشارهای آمریکا شود، تهران زمینه حضور رقبای استراتژیک هند برای سرمایه‌گذاری خود در پروژه چابهار را فراهم خواهد کرد.

۶- منابع

- ۱- ارغوانی پیرسلامی، فریرز؛ اسماعیلی، مرتضی، هند و امنیت همه‌جانبه در پرتو استراتژی همکاری جویی چندگانه، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۹، شماره ۳۲، صص ۳۰-۹، دانشگاه سیستان و بلوچستان: پاییز ۱۳۹۶.
- ۲- آقائی، سید داود؛ عقدایی، سید هدایت‌الله، سیاست آسیایی ایالات متحده در دوره اوباما: بررسی مناسبات سیاسی-امنیتی آمریکا با هند (۲۰۰۸-۲۰۱۲). فصلنامه سیاست، دوره ۴۴، شماره ۲، صص ۳۱۳-۳۳۲، دانشگاه تهران: تابستان ۱۳۹۳.
- ۳- سجادپور، سید محمدکاظم؛ پهلوانی، مهرداد، جایگاه جمهوری اسلامی ایران در روابط هند و ایالات متحده آمریکا، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱، شماره ۱، صص ۹۳-۶۸، دانشگاه مشهد: پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- ۴- سجادپور، سید محمدکاظم؛ کریمی قهرودی، مانده، رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، صص ۲۲۷-۲۵۸، پژوهشکده مطالعات راهبردی: زمستان ۱۳۹۰.
- ۵- شاهین، مهدی، بررسی و تحلیل سیاست خارجی ایران و هند تا سال ۱۳۹۲، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، دوره ۸، شماره ۲۷، صص ۶۳-۸۲، دانشگاه سیستان و بلوچستان: تابستان ۱۳۹۵.

- ۶- شفیعی، نوذر، همکاری آمریکا و هند در بازی بزرگ قدرت در آسیای مرکزی، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۱۶، دانشگاه تهران: بهار و تابستان ۱۳۹۶.
- ۷- شفیعی، نوذر؛ فرجی‌نصیری، شهریار، ترتیبات سیاسی-امنیتی در جنوب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست‌پژوهی، سال ۱، شماره ۱، صص ۹-۳۱، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی^(ره): زمستان ۱۳۹۳.
- ۸- واعظی، طیبه؛ مشیرزاده، حمیرا، تأثیر ساختار نظام بین‌الملل بر گسترش روابط هند و آمریکا در دوره جورج بوش، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۱۵۶-۱۳۳، دانشگاه سیستان و بلوچستان: زمستان ۱۳۹۴.
9. Aghaei, Seyed Davoud, Aghdaei, Seyed Hedayatollah, **US Policy during Obama Presidency: An Analysis of US-India Political-Security Relationships (2008-2012)**, Quarterly Journal of Politics, 44(2), Tehran, 2014, pp. 313-332.
 10. Arghavani-Pirsalami, Fariborz, Esmaeili, Morteza. **India, and Comprehensive Security in the Light of Multiple Cooperation Strategy**, Subcontinent Studies Quarterly, 9(32), Zahedan, 2017, pp. 9-30.
 11. Bhaskar, C. Uday (2000), "Clitt's Visit and the Nuclear Narrative", Strategic Analysis, Vol.27, No.2, pp.207-219.
 12. Blank, Stephen (2007), "The Geostrategic Implications of the Indo-American Strategic Partnership", India Review, Volume 6, Issue 1, pp.1-24.
 13. Carranza, Mario E. (2006), "Can the NPT Survive? The Theory and Practice of US Nuclear Non-proliferation Policy after September 11", Contemporary Security Policy, 27:3, pp.489-525.
 14. Changiz, Zerar, **United States and India against China in the Asia-Pacific Region**, Anatolian News Agency, November 11, 1396, available at: <https://www.aa.com.tr/fa>.
 15. Financial tribune (December 5, 2017), **Iran Offers Chabahar Port Management Rights to India**, <https://financialtribune.com/articles/economy-domestic-economy/77315/indian-daily-iran-offers-chabahar-port-management-rights-to>.
 16. Firstpost Hindi, (Aug 24, 2017), **Trump's new Afghanistan policy: India's role in balancing geopolitics hailed by bilateral forum**, Available at: <https://www.firstpost.com/world/donald-trumps-new-afghanistan-policy-indias-role-in-balancing-geopolitics-hailed-by-bilateral-forum-3970133.html>

17. Guihong, Zhang (2003), " US Security Policy towards South Asia after September 11 and its Implications for China: A Chinese Perspective", *Strategic Analysis*, Volume 27, Issue 2, pp. 145-171.
18. Hoodbhoya, Pervez, Mianb, Zia (2002), "The India-Pakistan Conflict Towards the Failure of Nuclear Deterrence", Quaide Azam University, available at: <http://www.gakushuin.ac.jp/~881791/hoodbhoy/Deterrence.html>.
19. Joshi, Manoj (Feb 25, 2018), "Review could help India nuance its nuclear doctrine", **Hindustan times**, Available at: <https://www.hindustantimes.com/analysis/donald-trump-s-review-could-help-india-nuance-its-nuclear-doctrine/story-JV5esVtIZ7wKpT0qbp2M9L.html>
20. Jozanikohan, Shayan, Jozanikohan, Shahin, **The Position of the United States and China in the Security Arrangements of the East Asian Region (2009-2017)**, *Journal of Research on the Nations*, 2(2), Tehran, 2017, pp. 33-46.
21. Khan, Mahrukh (2017), "India Relations Under Modi Administration", February 15, **Institute of Strategic Studies**, Available at: http://issi.org.pk/wp-content/uploads/2017/02/Final_IB_Mahrukh_dated_15-02-2017.pdf
22. Kirk, Jason A. (2008), "Indian-Americans and the U.S.–India Nuclear Agreement: Consolidation of an Ethnic Lobby?" **Foreign Policy Analysis** 4, pp.275–300.
23. Kumer, Dheeraj (August 2009), "U.S. Relations: An Historical Perspective", *Strategic Insights*, Vol 5, Issue 3, Available in: <http://www.nps.edu/Academics/centers/ccc/publications/OnlineJournal/2009/Aug/kumarAug09.pdf>
24. Mirza, Nasrullah, Sadiq, M., Sultan, Maria (January 2008), "Indo-US 123 Agreement: Impacts on Deterrence Stability in South Asia", *South Asian Strategic Stability Institute, SASSI*
25. Mohan, C. Raja (July 16, 2014), "Great Game Folio: Russian Pipeline", *Carnegie Endowment*, Retrieved in 2015/02/10, from: <http://carnegieendowment.org/2014/07/16/great-game-folio-russian-pipeline>.
26. Nautiyal, Annpurna (April 2006), "Current Trends in India-U.S. Relations: Hopes for a Secure Future: Strategic Insights", V. 5, issue 4, April, at *Centers for Contemporary Conflict (CCC) Website*, available at: <https://calhoun.nps.edu/bitstream/handle/10945/11338/nautiyalApr06.pdf?sequence=1>
27. Pant, Harsh V. (2011), "India's Relation with Iran: Much Ado about Nothing», **The Washington Quarterly**.

28. Potter, William C. (2005), "India and the New Look of U.S Nonproliferation Policy", *The Nonproliferation Review*, Volume 12, Issue 2, pp. 343-354.
29. Purushothaman Uma (2012), "The Shadow over India-Iran Relations", *Journal Strategic Analysis*, Volume 36, Issue 6, pp. 910- 899.
30. Rathburn, Brian (2008), "A Rose by Any Other Name: Neoclassical Realism as the Logical and Necessary Extension of Structural Realism", *Security Studies*, 17(2): 294- 321.
31. Ripsman, Norrin M.(2009), "Neoclassical realism and domestic interest in Iran" in Steven Lobell, Norrin Ripsman & Jeffrey Taliaferro (eds.), **Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy**, Cambridge: Cambridge University Press, pp 170-193.
32. Sajadpour, Seyed Mohammad Kazem, Karimi Ghoghrodi, Maedeh, **Indo-Pakistani Nuclear Competition and its Consequences for the National Security of the Islamic Republic of Iran**, *Journal of Strategic Studies*, 14(54), Tehran, 2011, pp. 227-258.
33. Sajadpour, Seyed Mohammad Kazem, Pahlavani, Mehrdad, **Position of the Islamic Republic of Iran in Relations between India and the United States**, Iranian Research Institute of International Policy, 1(1), Mashhad, 2012, pp. 68-93.
34. Shafiei, Nozar, Faraji Nasiri, Sharyar, **Political-Security Arrangements in South Asia and Their Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran**, *Quarterly Journal of Policy Studies*, 1(1), Khorram Abad, 2014, pp. 9-31.
35. Shafiei, Nozar, **US-Indian Cooperation in the Great Game of Central Asia**, *Central Eurasia Studies*, 10(1), Tehran, 2017, pp. 101-116.
36. Shahin, Mehdi, **Analysis of Iran-India Foreign Policy of by 2013**, *Quarterly Journal of Subcontinent Studies*, 8(27), Zahedan, 2016, pp. 63-82.
37. Shokri, Morteza, **Tramp's Records in the First Year of the Presidency**, Research Institute of Governance and Politics Studies, Tehran, 2011, pp. 1-43.
38. Sidhu Singh, Waheguru Pal (2016), "The United States, India and Iran: Managing a Delicate Balance", **Center on International Cooperation**, Available at: http://cic.nyu.edu/sites/default/files/sidhu_india_final_1.pdf, Accessed on: 2017/02/11.
39. Sullivan, Meghan (2010), "Iran and the Great Sanctions Debate", **The Washington Quarterly**, 33(4), pp. 7-21.
40. Tabatabaei, Seyed Mohammad, Qasiasi, Amir, **US Political and Security Strategy for China (2012-2008) Based on Soft Balance Theory**, *Quarterly Journal of World Studies*, 3(2), Tehran, 2013, pp.-269-302.

41. Vaezi, Tayebah, Moshirzadeh, Homeyra, **The Effect of the Structure of the International System on the Expansion of India-US Relations During George Bush Presidency**, Subcontinent Studies, 7(25), Tehran, 2015, pp. 133-156.
42. Waltz, Kenneth N. (1992), Realist Thought and Neorealist Theory, in R.L. Rothstein and W.T.R. Fox, eds, the Evolution of Theory, in International Relations, Columbia: University Of South Carolina Press.
43. World Nuclear News (30 June, 2017), "Trump heralds golden era for US energy", Available at: <http://www.world-nuclear-news.org/NP-Trump-heralds-golden-era-for-US-energy-3006177.html>
44. Younus, Uzair (May 8, 2018), **What Trump's Iran Decision Means for India**, **the diplomat**, Available at: <https://thediplomat.com/2018/05/what-trumps-iran-decision-means-for-india/>

